

نگاه

به انگیزه دریافت دکترای دانشگاه سنت اندروز

جای بزرگ بیضایی در خانه خالی است

سپیده محمدیان

● بهرام بیضایی، نویسنده، پژوهشگر و کارگردان ایرانی، از دانشگاه سنت اندروز دکترای افتخاری دریافت کرد. هر بار که این تیتَر خبری بازنشر شد، خواننده و به خود بالیدیم و یادآوری شد که بیضایی چراغی است که خانه سخت محتاج اوست. محتاج مردی نه‌چندان خشنود از کوچ که هزارافسان از او در این خاک باقی مانده است. جای بزرگ بیضایی در خانه خالی است و دیگرانی در گوشه‌گوشه دنیا عظمت این جای خالی را می‌بینند و وجودش را قدر می‌نهند. در بزرگی جایگاه قلم و اندیشه بیضایی در هویت فرهنگی ایران، گفتن و شنیدن و نگاشتن مانند ستایش روشنایی روز بدیهی است و آن‌کس که قلم و نگاهش را می‌شناسد، بی‌نیاز از این گفت‌ووشنودن است. چنان‌که امروز نام بلندش حتی در نبوشش در اینجا، باعث سربلندی فرهنگ ایران است. بیضایی جان‌بخش اسطوره در ادبیات و نمایش، خالق جهانی در هزارتوی خیال و یاور بوده و پاسداشت جایگاهش از طریق دانشگاه سنت اندروز تنها یادآوری کوچکی از آن چیزی است که وی به قیمت سالیان عمر بر



ادبیات نمایشی ایران افزود. بیضایی و زبان فاخری که هرگز به تقلیل آن به سطح متوسط تن نداد، نشانگر حرمتی بود که وی به تئاتر ملی ایران و فارسی‌زبانان می‌گذشت. پرداختن به بیش از نیم قرن کارنامه کاری بیضایی خود در توان این مجال نیست؛ اما ویژگی‌های برجسته‌ای مانند توجه به جنبه‌های اسطوره‌ای و صدای زنانه، نمایاندن وجوه زنانه فراتر از تصاویر شکننده و آسیب‌پذیر غالب، تلفیق سنت تاریخی با جوهر نمایش، جلوه‌هایی از هنر بی‌بدیل اوست. کوشش خستگی‌ناپذیر در کشف گسل‌ها و بخش‌های نانوشته در خطوط تاریخ رسمی که به نمایاندن بخش‌هایی از بیان تاریخی مانند وجوهی از زندگی و جهان زنانه، فرهنگ و نگاه عامیانه انجامید. بخش‌هایی که در گذر از گذرگاه‌های پراشوب تاریخی ایران کمتر به آن پرداخته می‌شد. بیضایی از سفر به دل شب نهراسیده و حدود شش دهه به کندوکاو در گذر و کرده‌های نفسگیر هویت تاریخی ایران پرداخته است و امروز، این هویت تاریخی و روح اساطیرش، چشم‌انتظار بازگشت بیضایی است. بی‌شک بدون حضور وی اینجا چیزی کم است، خیلی کم.

دبیر جشنواره کودکان ونوجوانان:

دنبال قراردادادن جشنواره در مصوبه هیئت دولت هستیم

فرانک آرتا

● سی‌امین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان در حالی برگزار خواهد شد که در چند سال اخیر شاهد تغییرات تقویمی این جشنواره مهم هستیم؛ موردی که در هیچ کجای دنیا مرسوم نیست. علیرضا رضاداد، دبیر جشنواره سی‌ام فیلم‌های کودکان و نوجوانان، در نخستین نشست مطبوعاتی خود که روز گذشته در موزه سینما برپا شد، در برابر این پرسش «شرق» که «چرا شهر اصفهان اغلب در برابر برپایی جشنواره کودک دچار تردید می‌شود و باعث شده همواره شاهد برگزاری اقماری این جشنواره مهم باشیم»، پاسخ داد: «اخیرا در توافقی که منعقد شد، به مدت پنج سال برگزاری این جشنواره را در اصفهان تمدید کردیم. واقعیت این است که هیچ‌گاه مسئولان اصفهان نگفتند که نمی‌خواهند جشنواره در این شهر برگزار شود. من در سال‌هایی که درگیر این جشنواره بوده‌ام، شاهد بودم که هیچ‌گاه اصفهان نخواستند جشنواره را برگزار نکنند. چون به‌رحال چنین تصمیمیاتی در وزارت ارشاد گرفته می‌شود. اما میزان حمایت و تأمین منابع مالی‌اش روی این موضوع تأثیر گذاشته است. به‌همین‌دلیل گاهی تصمیم گرفته شده به جای دبیرگزارشدن در اصفهان به شهری دیگر منتقل شود. اما اگر بتوانیم برگزاری جشنواره را در مصوبات هیئت دولت قرار دهیم، این مسائل مرتفع می‌شود. خب هر استانی هم ملاحظاتِی دارد. از جمله ملاحظات مالی یا شهری ممکن است روی این موضوع تأثیر بگذارد. اگر ضرورت برگزاری چنین جشنواره‌ای در یک استان از سوی مقامات بالاتر تثبیت و تأیید نشود، ممکن است با موانعی روبه‌رو شوود. هرچند طی‌کردن چنین مسیری در مراحل بالاتر کمی سخت به نظر می‌رسد. برای گذر از این سد، گاهی اوقات مسئولان تلاش می‌کنند به طور مقطعی با توافق‌نامه‌هایی ماجرا را حل کنند. بنابراین ضروری است که سندی به وسیله مسئولان بالاتر برای این کار تنظیم شود».

گروه هنر: شواهد حاکی از اختلاف بین مهران مدیری و خشایار الوند، نویسنده‌ای که تا به امروز بیشترین همکاری را با هم داشته‌اند، داغ شده است. موضوع بر سر فیلم‌نامه‌ای است که مشخص نیست هرکس چه سهمی در پرداختش داشته است. الوند در گفت‌وگو با «شرق» از رفاقت ۲۰ ساله‌ش می‌گوید و همین موضوع کل ماجرا را برایش بی‌اهمیت کرده است، اما هنوز مشخص نیست که آیا برای مدیری هم مسئله تا این حد بی‌اهمیت است یا قرار است این حواشی ادامه‌دار شود؟

چیزی تا اکران نخستین اثر سینمایی «مهران مدیری» باقی نمانده است؛ فیلمی که به گفته مدیری، سراسر نقد اجتماعی است. در این فیلم شهری مانند تهران را داریم که تیمارسانی است که هزار نفر در آن به‌دنبال کارهای مختلف می‌گردند. از شروع تا پایان، فیلم سینمایی «ساعت ۵ عصر» سراسر نقد اجتماعی دارد و مسئله، موضوع و مضمونی است که مدیری در قالب یک فیلم سینمایی به آن پرداخته و شواهد نشان می‌دهد، خشایار الوند، فیلم‌نامه‌نویسی که در همه این سال‌ها نمایش بیشتر در کنار مهران مدیری دیده شده، در این اثر سینمایی حضور داشته است. حالا اختلاف پیش‌آمده در مورد حذف نام الوند از مواد تبلیغی این فیلم بار دیگر حواشی «ساعت ۵ عصر» را پررنگ‌تر کرد.

خشایار الوند به‌تازگی در گفت‌وگو با سینماروزان از قول‌وقرارهای پیش از فیلم‌برداری این فیلم سینمایی و درباره چگونگی همکاری‌اش گفت: «وقتی قرارداد واگذاری فیلم‌نامه‌ای را می‌بندیم، تمام حقوق مربوطه را واگذار می‌کنیم، اما نه‌اینکه نامان هم تغییر کند. اینکه نامم در پوستر نیست برای خودم هم عجیب است، مهران مدیری اگر می‌خواست نام خودش را به‌عنوان نویسنده بزند،

چرا در «هفت» نام مرا اعلام کرد و بعدتر در «دورهمی» هم از من گفت». الوند ادامه داد: فیلم‌نامه «ساعت ۵ عصر» برای من است و بابت آن قرارداد بسته‌ام و ۱۲۰ میلیون هم دستم‌زدم بوده است و حالا اینکه می‌بینم نامم در پوستر نیست عجیب است. این نویسند با اشاره به همکاری سالیانش با مدیری گفت: «من نزدیک ۲۰ سال است با مدیری همکاری می‌کنم و یک‌بار هم ندیده‌ام مدیری متنی بنویسد.

البته در سال‌های اخیر بارها این را دیده‌ایم که خیلی‌ها دوست دارند با ایجاد تغییراتی ولو جزئی در فیلم‌نامه در حد تغییر نام کاراکتر و تغییر یکی، دو دیالوگ نام خود را به‌عنوان سناریست جا بزنند، ولی اینکه نام نویسنده حذف شود پرسش‌برانگیز است.» خشایار الوند در پاسخ به اینکه آیا اختلاف‌سلیقه

آرامش پیش از «ساعت ۵ عصر»



خاصی میان او و مدیری وجود داشته که عامل این ماجرا شده به سینماروزان گفت: ابتدا اختلاف‌سلیقه‌ای نبود و من بعد از اینکه فیلم‌نامه کامل را به ایشان دادم، درگیر «دیواربه‌دیوار» شدم و دیگر از ایشان خبری نداشتم؛ البته یکی، دوبار همدیگر را دیدیم و همه‌چیز صمیمانه پیش رفت. الوند خاطرنشان کرد: «البته جای تعجب بود که تقریباً از اوایل تولید، در فهرست عوامل اسم نویسنده را نزدند و حتی وقتی در اطلاع‌رسانی‌های رسمی عکس همه عوامل می‌آمد عکسی از من نبود».

درحالی‌که خشایار الوند از حذف نامش به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس «ساعت ۵ عصر» انتقاد کرده بود، برخی رسانه‌ها و صفحات مجازی با انتشار اطلاعات پایگاه ثبت فیلم‌نامه، از ثبت فیلم‌نامه «ساعت ۵ عصر» به نام مهران مدیری خبر داده و اعلام کرده‌اند خشایار الوند تنها در بازنویسی فیلم‌نامه

گفت‌وگو با داریوش فرهنگ

صاحب نگاه‌شدن در سینما آسان نیست



سینما داشتند و غالباً عکس‌ها در وترین‌های سینما جلب توجه می‌کرد. حتی عکس فیلم در آن سال‌ها برای جذب سرمایه فیلم هم نقش تعیین‌کننده‌ای داشت و از عکس‌های فیلم بسیاری متوجه می‌شدند که محصول نهایی چه خواهد بود؟ با ورود دنیای دیجیتال همه‌چیز شکل و شمایل قبلی را از دست داد. تصور شخصی خودم از عکاسی و به‌ویژه عکاسی فیلم این است که به‌نظم همان‌طور که پیش‌تر گفته می‌شد، تئاتر زمینه فوق‌العاده‌ای برای ورود به سینماست، که از یک جهت کاملاً درست است و آن پرداختن به داستان‌پردازی و درام است. عکاسی فیلم هم به نظر من مقدمه نگاه سینمایی داشتن است. جوهره ذاتی یک عکس چیزی فراتر از فیلمی است که دیده می‌شود، چراکه ممکن است فریمی ثبت شود که پلان فیلم هم نباشد اما همان فریم دنیای خودش را داشته باشد و از زاویه‌ای دیگر فیلم

کورش سلیمانی به روی صحنه خواهد رفت. خاکی در یادداشتی که برای اجرای دوباره این نمایش نوشته آورده: «اکنون، هفت‌سال از اولین اجرای نمایش روال عادی اثر نمایش‌نامه‌نویس برجسته فرانسوی، ژان کلودگرییر، در ایران می‌گذرد. نخستین اجرای این نمایش در سال ۸۹، در سالن سایه مجموعه تئاترشهر، با آنکه هم‌زمان با برگزاری جام جهانی فوتبال بود، با استقبال تماشاگران مواجه شد. اجرای روال عادی در بخش بین‌المللی بیست‌ونهمین جشنواره تئاتر فجر نیز با موفقیتی شایان توجهی همراه شد. از آن سال تاکنون، چندباری کوشیدیم که اجرای دوباره‌ای از این نمایش ارائه کم؛ کوشش‌هایم، هربار به دلیلی ناکام ماند. حال که شرایط اجرای مجدد این نمایش فراهم شده، لازم می‌دانم از همه همکاران و یاورانی از اجرا حمایت کردند، سپاسگزاری کنم. بی‌گمان موفقیت یا عدم موفقیت هر اثر هنری، نسبیت با شرایط اجتماعی و زمانه اثر، خواست‌ها و ذهنیت مخاطب و چگونگی عرضه آن اثر دارد. آرزویمند که این اجرا نیز بتواند از چادبه‌های لازم برای پاسخ‌گویی به درخواست‌های امروزی تماشاگران برخوردار شود».

هنر

همکاری داشته و طرح اصلی فیلم‌نامه متعلق به مهران مدیری است.

با گذشت چندروز از مطرح‌شدن اختلاف میان الوند و مدیری بر سر نگارش فیلم‌نامه «ساعت ۵ عصر»، الوند در گفت‌وگو با «شرق» با تأکید بر اینکه رسانه‌ای‌شدن این موضوع چندان مهم نبوده است، گفت: «پیش از مطرح‌شدن این موضوع و قبل از فیلم‌برداری فیلم و بعد از آن به‌هیچ‌وجه در مورد فیلم صحبت نکردم و در این مدت تنها آقای مدیری از من به‌عنوان همکارش در این فیلم نام برد». او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «اصلاً شاید فیلم‌نامه از زمان نگارش تا ساخت آن‌قدر از سوی آقای مدیری تغییر کرده که دیگر فیلم‌نامه من نیست و آقای مدیری نامش را به‌عنوان فیلم‌نامه‌نویس گذاشته است، البته هنوز فیلم را ندیده‌ام و نمی‌دانم در تیتراژ هم اسمی از من هست یا نه؟

باین‌حال درج نام من در مواد تبلیغاتی فیلم یا تیتراژ خیلی مهم نیست، آقای مدیری صاحب‌اختیار است و رفاقت ۲۰ساله ما ارزش این حرف‌ها را ندارد».

مهران مدیری هنوز واکنشی به شایعات اخیر نشان نداده است و مشخص نیست تا چه حد این اختلافات نخستین اثر سینمایی مهران مدیری را تحت‌تأثیر قرار خواهد داد و مشخص نیست آیا اعلام رضایت نسبی الوند کنایه به شرایط پیش‌آمده است یا این موضوع از نظر او نیازی به پیگیری ندارد. باین‌حال چیزی تا زمان اکران این فیلم باقی نمانده است و به‌مرور مشخص می‌شود که فیلم‌نامه اولیه تا مرحله ساخت دچار چه تغییراتی شده است و شاید پس از نمایش فیلم، الوند صحبت‌های جدیدتری نسبت به فیلم‌نامه‌ای که در اختیار مدیری قرار داده است داشته باشد.

گفت‌وگو با داریوش فرهنگ

مجازی بسیاری از معادلات را برهم زده است، همان‌طور که می‌دانید بسیاری از فیلم‌های روز جهان بسیار سریع در دسترس قرار می‌گیرد و بالتبع عکاسی نیز دستخوش تغییرات زیادی شده است و بهترین عکس‌ها در اختیار همه هست. اما طبعاً از صد فریم عکس تعداد محدودی هست که ماندگار می‌شود و نظر من این است که عکاس فیلم باید به لایه‌های عمیق‌تری از فیلم نفوذ کند. عکسی که نگاه نداشته باشد، مثل فیلمی است که کارگردانش صاحب اندیشه و تفکری نیست. بازهم از عکاسی در سینمای ایران حرف می‌زنم و به اسم عزیز ساعتی که با نگاه متفاوتش اسمش را در این عرصه جاودانه کرد، می‌رسم و به خاطر بیاورید عکس‌های فیلم «کلاغ» را که هر فریم از آنها خودش یک فیلم بود.

ک **خب، طبعاً بسیاری از عکاسانی که در این سال‌ها نگاه شخصی‌شان را در عکس‌هایشان لحاظ کردند و این‌روزها از افسراد صاحب‌نام این عرصه هستند، می‌توان نام برد و درباره آنها صحبت کرد، اما به نظر می‌رسد تحلیلی مبنی بر اینکه عکس لزوماً باید در خدمت فیلم باشد و در اینجا نگاه هنری و تجاری را از هم جدا می‌کند، مقوله دیگری است. به نظر شما این بخش را چطور می‌توان تعریف کرد؟**

به‌رحال باید بپذیریم صاحب نگاه‌شدن در سینما به آسانی به دست نمی‌آید. برخی افراد هستند که حرکاتی را طبق سنت قدیمی آن انجام می‌دهند و مثلاً فیلم‌سازی می‌کنند اما تقوایی، کیارستمی و بیضایی‌شدن آسان نیست. آنها از من فیلم‌سازی گذشتند و به دانش، فلسفه و عمق اثر رسیدند. عکاسی فیلم نیز مثل کارگردانی است؛ فریمی از فیلم که روایت خودش را دارد.

نمایشگاه عکس استادان موسیقی در ۲۵ استان

گروه هنر: مجموعه عکس‌ها و اسناد استادان موسیقی ایران که به همت فروغ بهمن‌پور جمع‌آوری شده است، با حمایت انجمن موسیقی ایران از ۱۰ تیر در ۲۵ استان کشور به نمایش گذاشته خواهد شد. به گزارش روابط‌عمومی انجمن موسیقی ایران، فروغ بهمن‌پور، روزنامه‌نگار و پژوهشگر موسیقی ایرانی، درباره علت جمع‌آوری مجموعه عکس‌های هنرمندان موسیقی گفت: جمع‌آوری این عکس‌ها و اسناد صرفاً به دلیل علاقه شخصی به موسیقی ایرانی و از سال‌ها قبل صورت گرفته است و به نیت تبدیل به یک مجموعه با چاپ کتاب نبوده است. وی در ادامه توضیح داد: این عکس‌ها در پیگیری‌های مستمر در سال‌های گذشته و آشنایی و ارتباط با استادان بزرگی مانند استاد کسایی، تجویدی، یاحقی، جلیل شهناز و دیگران گردآوری شده است و اکنون با حمایت آقای دکتر جمالی، مدیرعامل انجمن موسیقی ایران و شعب استانی این انجمن، قرار شده است که این آثار برای استفاده و آشنایی عموم در ۲۵ استان کشور به طور هم‌زمان به نمایش گذاشته شود. وی افزود: متأسفانه بیشتر این استادان از دنیا رفته‌اند، اما همچنان با خانواده‌هایشان در ارتباط

زیر آسمان فیروزهای

دادگاهی در اسپانیا حکم داد

نیش‌قبر دالی

● **گروه هنر:** دادگاهی در مادرید اسپانیا حکم به نیش‌قبر سالوادور دالی، نقاش اسپانیایی، داد. این حکم در پی آن صادر شد که یک زن اسپانیایی به نام «پیلار آبل» ادعا کرد که سالوادور دالی پدر اوست. او گفته است که این هنرمند در سال ۱۹۵۵ با یک خدمتکار رابطه داشته است. قاضی در پی این ادعا و با استناد به اینکه بقایای بیولوژیکی یا اشیای شخصی از این هنرمند باقی نمانده تا آزمایش ژنتیکی صورت بگیرد، حکم به نیش‌قبر این هنرمند داده است تا نمونه ژنتیکی برای آزمایش از بقایای بدن سالوادور دالی برداشته شود. به‌این‌ترتیب قاضی به درخواست زنی که ادعا می‌کند دختر دالی است پاسخ مثبت داده است. نام این زن پیلار آبل مارتینز است و در سال ۱۹۵۶ در شهر فیگرس در خرونا به دنیا آمده که زادگاه دالی نیز بوده است. بیش از دو سال است که مارتینز می‌کوشد حکمی از دادگاه برای بررسی نسبت احتمالی‌اش با دالی به عنوان پدر بگیرد. چنانچه این بررسی نشان دهد که مارتینز دختر دالی است، حق او خواهد بود که در سودی که از فروش آثار این هنرمند اسپانیایی حاصل می‌شود، سهم شود. دالی در وصیت‌نامه‌اش تمامی دارایی‌اش را به دولت اسپانیا بخشیده است، اما بر اساس رای دادگاهی در اتحادیه اروپا، وارثان قانونی



این هنرمند باید حق سهم‌شدن در سود حاصل از فروش آثار او را داشته باشند. اینک دادگاه مادرید حکم نیش‌قبر سالوادور دالی را که ۲۸ سال پیش به خاک سپرده شده، صادر کرده است تا کارشناسان بتوانند نمونه دی‌ان‌ای او را بررسی کنند. نقاش سوررئالیست اسپانیایی در سال ۱۹۸۹ و در ۸۵سالگی درگذشت. سالوادور دالی و همسرش، کالا، به‌مدت ۴۸ سال در زندگی مشترک با یکدیگر به‌سر بردند، اما فرزندی نداشتند. دالی یکی از مهم‌ترین نقاشان و مجسمه‌سازان قرن بیستم میلادی و نماینده برجسته سبک سوررئالیسم به‌شمار می‌آید. همچنین همکاری او با لونیس بونوئل، فیلم‌ساز اسپانیایی، مشهور است. نمره همکاری این دو هنرمند، فیلم‌های سوررئالیستی «سگ اندلسی» و «عصر طلایی» بودند. دالی در سال ۱۹۸۹ در فیگرس درگذشت. او در شهر فیگرس در شمال‌شرقی اسپانیا دفن شده است.

ادامه از صفحه ۱۱

کفت‌وگو با آرش گوران، رهبر ارکستر فیلارمونیک تهران

اسپانسر ما مردم هستند

ک **به فکر انتشار آثاری که به وسیله این ارکستر نواخته شده، هستید؟**

بله، اتفاقاً آلبومی در آستانه انتشار داریم. این آلبوم از کنسرت‌ها برگرفته نشده، بلکه خود ارکستر بارها دور هم جمع شده‌اند و به صورت ارکسترال در استودیو قطعات را ضبط کرده‌اند. به‌زودی اگر بدانیم انتشاراتی هست که دغدغه این کار را دارد و می‌تواند شرایط مورد نظر ارکستر را تأمین کند، این کار را انجام می‌دهیم.

ک **در فعالیت‌های آهنگ‌سازی و نوازندگی خودتان مشغول چه کاری هستید؟ برنامه‌ای دارید برای اینکه قطعاًسی را که خودتان ساخته‌اید اجرا کنید؟**

حتماً. آهنگ‌سازی برایم دو بخش است؛ یک بخش به واسطه رضا گوران برادرم، که کارگردان تئاتر است جلو می‌رود که ۹سالگی هست که تئاترهایش را آهنگ‌سازی می‌کنم. البته به آهنگ‌سازی تئاتر و فیلم خیلی علاقه ندارم اما چون کارهای رضا را دوست دارم این کار را انجام می‌دهم و اگر کار کسی دیگر را هم بخواهم آهنگ‌سازی کنم، باید دوست داشته باشم و انتخابم باشد. بخش دیگر فعالیت‌هم آثاری است که در خلوت خودم و به صورت شخصی می‌سازم و وابسته به هیچ ارکان یا تئاتر یا برنامه تصویری نیست. چندین سال پیش در قالب یک رسییتال پیانو این کارها را اجرا کردم. از آخرین کارهایی که آهنگ‌سازی کردم «شب آوازش را می‌خواند» ساخته برادرم رضا و فیلم کوتاه «هنوز نه» ساخته ایشان بود و تئاتر دیگری که مشاوره موسیقایی‌اش را داده بودم، کار خانم ندا هنگامی به نام «خانه‌ای در تانهای خیابان بهار» بود. مجموعه‌های موسیقایی که خودم در حال آهنگ‌سازی‌اش هستم، «رویاها» برای پیانو است که امیدوارم منتشر شود. همین‌طور اثری برای ویلن سولو داشتیم که خانم فرویوسفی در کنسرت‌شان اجرایش کردند و ضبط هم شده است.